# اوپیس

## کشتارگاه مردم



امیررضا امیری (پوریا امیری)

بسم الله الرحمن الرحیم

- متن لوحه نبونیید
  1. ترجمه بخش مورد نظر توسط گریسون و اوپنهایم
- بررسی ترجمه ها
  1. بررسی نظریه لمبرت
- فتح بابل

**مقدمه:**

در چندین سال گذشته با بزرگنمایی عجیبی من باب کوروش دوم، شاه انشانی و بنیانگذار سلسله هخامنشیان مواجه هستیم.
بیشتر افرادی که در حال اینکار هستند، حتی کوروش را به خوبی نمیشناسند ولی ازو بتی میسازند و سعی در تبلیغ آن، و در نهایت مقابله با اسلام را دارند.
اما کوروش، بنا بر معتبر ترین ترجمه ها مردم اوپیس را کشتار کرده است، که درین نوشتار به آن، به صورت مفصل خواهیم پرداخت.

جا دارد از آقای فلاح و خانم باقری، برای ویراستاری این متن تشکر کنم.

نویسنده: امیررضا امیری (پوریا)

- متن لوحه نبونیید (الهام از آملی کورت)

لوحه نبونیید از مهم ترین اسنادِ زمان کوروش به شمار می‌رود. با ضمیر گذاری ها و با توجه به اینکه نبونیید در آن لوحه، اسیر کوروش می‌شود، می‌توان بدین نتیجه رسید که این لوحه در زمان کوروش نگاشته شده است.(و یا در زمان نبونیید نوشته نشده است)
با دنبال کردن این لوحه، می‌توان به نکات جالبی رسید، با ترجمه های متفاوت و بعضاً ضد و نقیض ازین لوحه، ذات مبهم آمیز این سند نمایان می‌شود، حال بهترین و کلی ترین ترجمه که می‌شناختم را درین مقاله قرار داده ام.

در بند های نخستین لوحه (راوی) برای مخاطب از نبرد کوروش و آستیاگ (آکدی: Ishtumegu) در اکباتان (آکدی: Agamtanu) می‌گوید، البته که نام های آستیاگ و اکباتان به نام های آکدی تغییر کرده اند. در ادامه کوروش بر آستیاگ غالب گشت[1]. البته که این نبرد بسیار ساده روایت گشته است، اما در یک لوحه دیگر بابلی که مربوط به نبونیید می‌باشد، مدت زمان نبرد کوروش و آستیاگ سه سال گزارش شده است[2]. در ادامه کوروش به سرزمین [لو...] یورش برده شاه آنجا را [کشت و یا مغلوب کرد][1]

---

۱= درین جا می‌توان نتیجه گرفت که کوروش شاه اورارتو و یا لودایی را، یا شکست داده و یا کشته است.

در ادامه کوروش در ماه تیشتری (September-October)[1] بر اوپیس[2]، از راه گوتیوم[3] یورش برد و [مردم را کشت و یا آنان را شکست داد].[3] در ادامه بابل فتح گشته نبونیید نیز اسیر می‌شود[4].

---

این لوحه، با وجود تحلیل های متعدد در رابطه با اوپیس و سرزمین [لو....] ذات ابهام آمیز خود را نمایان می‌سازد، اما رسیدن به اینکه کوروش در اوپیس و [لو....] چه کرد، با کمی تحقیق و تامل در خط آکدی چندان کار سختی به نظر نمی‌رسد.

گریسون(Grayson) در ترجمه بخش مورد نظر (اوپیس) چنین آورده است:
[کوروش در کرانه رود دجله با سپاه آکدی در اوپیس نبرد کرد، مردم عقب نشستند، او (کوروش) آنها را کشت و غارت کرد.][5]
اوپنهایم (Oppenheim) در ترجمه بخش مورد نظر (اوپیس) چنین می‌آورد:
[کوروش در کرانه رود دجله با سپاه آکدی در اوپیس نبرد کرد، مردم شوریدند و او (نبونیید) مردم سردرگم را کشتار کرد.][6]

در بین این دو ترجمه، اینکه کدام معتبر تر از دیگری و کدام غلط و یا شاید عیب و ایراد داشته باشد، در بخش بعد مشخص خواهد شد.

---

۱= ۷ شهریور تا ۷ مهر، ۸ مهر تا ۸ آبان

۲=Opis

۳=مناطقی منصوب به گوتی ها، بخش های غربی ایران امروزی

- بررسی ترجمه ها

متن آکدی (مربوط به اوپیس)[7]
11. Sa elan (ugu) IM u suplan (ki.ta) IM ana Babili irrubu mes ni ilani mes su Bar, sip ki Kute [ki]
12. U sip_par ki ul irubu mes ni ina iti Tsriti Ku-raś sultum ina Upe ki ina muhhi [....]
13. I- diq-lat ana libbi ummani Akkad ki ipusu nisu Akkad.[8]

با بررسی ترجمه گریسون، متوجه مشکلی از نظر معنایی نمی‌شویم و تنها در تفسیر آنست که متخصصین چندان متفق القول نیستند، اما ترجمه اوپنهایم، مشکلات جدی دارد. او واژگان شورش و سردرگم را که ابدا در متن وجود آکدی وجود ندارند را به متن اضافه کرد، او با این کار تصویر فوق بشری که عموم پژوهشگران آن زمان، از کوروش داشتند را برجسته و شدت بخشید، و نبونیید را بعنوان کشتار گر مردم معرفی کرد و تصویری دراماتیک از پیوستن مردم به دشمن، در بطن شروع جنگ ساخت. این یک تحریف غیر قابل بخشش بود[9].

لمبرت در سال ۲۰۰۷ در یک نظریه درباره اوپیس در تحلیلی، چنین می‌آورد که کوروش مردم را کشتار نکرده و تنها سربازان را شکست داده است.
این تفسیر در گرو آنست که nisu چه معنی می‌دهد.

---

نیشو یا nisu، توسط لمبرت سرباز معنا شده است، اما آیا این ترجمه درست است؟ در حقیقت نیشو در همه سنگ نبشته ها، مردم معنی شده است[10]. این مضحک است که درین کتیبه آنرا سرباز در نظر بگیریم در حالی که هیچ معنایی تحت عنوان سرباز برای نیشو تهبیه نگشته است! حتی نیشو را ناس عربی نیز می‌پندارند.[11]

در نتیجه نمی‌توان نیشو را سرباز در نظر گرفت، فی‌الحال بهترین و معتبرترین ترجمه همان است که نیشو را مردم معنا کرده است و واژگانی از قبیل شورش و سردرگم را به متن اضافه نکرده است.

- ## فتح بابل

کوروش با اتحاد با شاه نوبابلی،نبونیید توانست ماد را مغلوب کند[12]، سپس با پیش قدم شدن کرزوس شاه لودایی، و اتحاد او با چندی از ایونی ها و دولت نوبابلی و مصر خود را به کام کشتن داد[13](در مقاله دینِ کوروش به توضیح مفصل درباره فتح لودی پرداخته ام)
در ادامه کوروش به تمدن عظیم و ثروتمند بابل رسید، حال آنکه چرا کوروش به بابل اردو کشید دلایلی دارد که با آنچه عموم مردم می‌پندارند چندان سازگار نیست. اینکه کوروش برای برانداختن برده داری و رهایی بخشیدن مردم از ظلم نبونیید به بابل لشکر کشید، بیشتر به دلایل کودکانه و ساده لوحانه می‌ماند تا دلایل تاریخی!
ما با مطالعه کتیبه های بابلی زمان کوروش، می‌توانیم به وجود برده داری در بابل هخامنشی پی‌ببریم[14].

---

چهار هزار سند خطی از دوره نبونیید وجود دارد که نشان می‌دهد مردم در دوره نبونیید در رفاه و آسایش زندگی می‌کردند![15]
همچنین پیشروی شاه بابلی به قلب صحرای حجاز محبوبیت او را دو چندان کرده بود، و کوروش نتوانست محبوبیت او را از میان ببرد؛ در ادامه افرادی در بابل شوریدند که خود را از تخمه نبونیید معرفی کردند تا رضایت و حمایت مردم را جلب کنند.[16]

- ## سخن پایانی

پس از بحث های فراوان پیرامون اوپیس و طبق سخنان مزبور، می‌توان بدین نتیجه رسید که مردم اوپیس، توسط کوروش کشتار و غارت شدند، و چهره ای که از کوروش این سردار جنگی در ذهن عوام ساخته شده است، تحت عنوان اینکه کوروش بر همه جا با صلح و آرامش قدم می‌نهاد و مردم آماده باش برای باز کردن دروازه ها روبه‌روی اویند، چهره ای افسانه تلقی می‌شود.

سپاس از استاد فلاح عزیز
سپاس از استاد چهرازی عزیز
سپاس از خانم مهرآور
سپاس از خانم باقری
و سپاس فراوان از آن استاد گمنامی که راضی نبود نامش برده شود.

---

- منابع و مآخذ


۱،۴: The Persian Empire, Amelie Kuhrt, 50 51

۲ :کورش بزرگ، شایگان، ۴۱

۳ :فرمان کوروش بزرگ، بادامچی، ۳۰، ۳۱

۵ :The Assyrian and Babylonian Chronicles, Grayson, 109

۶ :The Achaemenid Empire, Babylonian Perspective, Amelie Kuhrt, 65,64

۷ :The Assyrian and Babylonian Chronicles, Grayson, 109

۸ :فرمان کوروش بزرگ، بادامچی، ۳۰

۹:The Achaemenid Empire, Babylonian Perspective, Amelie Kuhrt, 65,64

۱۰ :Cyrus the Great, Exiles and Foreign Gods, Van deer Spek, 32

۱۱: The Akkadian Dictionary

۱۲ :ایران از آغاز تا اسلام، رومن گیرشمن، ۱۳۲، ۱۳۳

۱۳ :تاریخ ایران، حسن پیرنیا، ۶۸، ۶۹

۱۴ :ایرانیان در بابل هخامنشی، داندامایف، ۱۷۷

۱۵ :تاریخ سیاسی هخامنشیان، داندامایف، ۷۳

۱۶ :The Babylon city, Dalley, 270


پایان